

تاریخچه دو قرن حماسه‌سازی ایرانیان در مبارزه با استعمارگران

عبور از سایه‌های شوم



■ آشوب در داخل: از شورش آقاخان تا شهادت امیرکبیر

انگلیسی‌ها برای مشغول نگاه داشتن ایران در امور داخلی و جلوگیری از هرگونه اقدام برای بازپس‌گیری هرات (که دروازه هند محسوب می‌شد) دست به ایجاد آشوب‌های داخلی زدند. یکی از برجسته‌ترین این دسیسه‌ها، حمایت از شورش «آقاخان محلاتی» در سال ۱۸۴۰ میلادی (۱۲۵۶ قمری) بود. آقاخان که در کرمان و محلات علیه حکومت محمدشاه قاجار سر به شورش برداشت، از حمایت‌های پنهان و آشکار مالی و لجستیکی بریتانیا برخوردار بود. وقتی شورش او در هم شکست، به‌هندوستان تحت کنترل بریتانیا گریخت و در پناه آن‌ها قرار گرفت و چنان‌که خودش در روزنامه خاطراتش می‌نویسد، از دولت فقیhme انگلیس مستمری دریافت می‌کرد!

باروی کار آمدن ناصرالدین‌شاه و آغاز صدارت میرزا تقی‌خان فراهانی (امیرکبیر) استعمار پیر با سدی محکم در برابر زیاده‌خواهی‌هایش روبه‌رو شد. امیرکبیر باواقع‌بینی شگرف خود تلاش کرد تا توازن قوا ایجاد و دست سفارتخانه‌های روس و انگلیس را از دخالت در امور داخلی، انتصابات و پناه دادن به مجرمان (بست‌نشدنی در سفارت) کوتاه کند. «جاستین شیل» وزیر مختار انگلیس در تهران، به سرعت دریافت‌تازمانی‌که امیر بر سر کار است، منافع لندن در ایران تأمین نخواهد شد. اسناد تاریخی نشان می‌دهد سفارت انگلیس با همدستی مهدعلیا (مادر شاه) و میرزا آقاخان نوری (که خود تابعیت بریتانیا را داشت) توطئه‌ای پیچیده را برای عزل و سپس به شهادت رساندن امیرکبیر در حمام فین کاشان (در سال ۱۳۳۰ خورشیدی) طراحی و اجرا کرد. با ریخته شدن خون امیر، دیگر مانعی بر سر راه غارتگری وجود نداشت.

■ عصر امتیازات و تقسیم منافع

پس از قتل امیرکبیر، ایران به بازار مکاره واگذاری امتیازات تبدیل شد. قرارداد روتر (۱۸۷۲ میلادی) که لرد کرزن آن را «کامل‌ترین و خارق‌العاده‌ترین تسلیم تمام منابع صنعتی یک کشور به بیگانگان» خواند و سپس انحصار تنباکو، تنها گوشه‌ای از این غارت‌ها بودند؛ اما شاید راهبردی‌ترین ضربه، «قرارداد درسی» در سال ۱۹۰۱ بود که حق اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری از نفت ایران را برای ۶۰ سال در اختیار بریتانیا قرار داد؛ قراردادی که خون اقتصاد ایران را تا دهه‌ها به نفخ چرخ‌های صنعت و ناوگان دریایی انگلیس می‌کبید. در سال ۱۹۰۷ در حالی که مشروطه‌خواهان ایرانی در تلاش برای محدود کردن استبداد بودند، دو قدرت استعماری روس و انگلیس بی‌توجه به استقلال ایران، طی معاهده‌ای در سن پترزبورگ، ایران را به سه منطقه نفوذ (شمال برای روسیه، جنوب برای انگلیس و یک منطقه بی‌طرف) تقسیم کردند. با آغاز جنگ جهانی اول و با وجود اعلام بی‌طرفی ایران، خاک کشور آماج تاخت و تاز قرار گرفت. بریتانیا برای حفظ مناطق جنوبی و حوزه‌های نفتی، نیرویی نظامی را به نام «پلیس جنوب» در سال ۱۹۱۶ میلادی تأسیس کرد که متشکل از افسران انگلیسی و سربازان مزدور محلی بود و به ابزاری برای سرکوب وحشیانه عشایر و مردم جنوب ایران تبدیل شد. این‌ها را باید به فاجعه قحطی بزرگ و کشتار هدهفند۸ میلیون ایرانی اضافه کنیم؛ واقعه‌ای که جمعیت ایران را نصف کرد.

■ بوشهر در خون: حماسه مقاومت جنوب

استعمار هیچ‌گاه در ایران بی‌هزینه پیش نرفت. تاریخ این سرزمین آکنده از نام کسانی است که با شجاعت و دست خالی در برابر ماشین جنگی متجاوزان ایستادند. یکی از درخشان‌ترین برگ‌های این مقاومت، حماسه جنوب است. سال‌ها پیش از جنگ جهانی اول، در جریان محاصره هرات و درگیری‌های سال ۱۸۵۶ میلادی، نیروهای انگلیسی به بوشهر حمله کردند. در آن زمان، «احمدخان تنگستانی» طی جنگ «قلعه ریشهر» در برابر توپخانه سنگین و ناوگان دریایی بریتانیا مقاومتی خیره‌کننده از خود نشان داد. او و نیروهایش با تسلیحات ابتدایی، تلفات سنگینی به نیروهای متجاوز وارد کردند و در نهایت، احمدخان در همین نبرد با شجاعت به شهادت رسید؛ اما نقطه اوج

کشید. آمریکا که تا آن زمان در افکار عمومی ایران چهره‌ای نسبتاً بی‌طرف داشت، با ترس از نفوذ کمونیسم (در دوران جنگ سرد) و البته طمع دست یافتن به سهمی از نفت ایران، با بریتانیا هم‌پیمان شد. عملیات مشترک سازمان اطلاعات مخفی بریتانیا (M۱۶) و سازمان سیا (CIA) با نام رمز «آژاکس» کلید خورد. «کرمیت روزولت» از سوی سیا و «کریستوفر وودهاوس» از سوی بریتانیا، با تزریق دلارهای کثیف، خریدن شبکه‌ای از ارادل و اوباش، نظامیان خائن و مطبوعات وابسته، دولت قانونی و ملی ایران را در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ سرنگون کردند. این روز نقطه عطفی تاریک در تاریخ ایران بود؛ جایی که مسیر دموکراسی و استقلال با چکمه‌های استعمار لگدمال شد و محمدرضا پهلوی که از کشور گریخته بود، با هواپیمای آمریکایی به قدرت بازگشت.

■ استقرار استعمار نو: از کنسرسیوم تا زانداری منطقه
کودتای ۲۸ مرداد سرآغاز تغییر الگو از استعمار کهن بریتانیا به «استعمار نو» با محوریت آمریکا بود. نخستین ثمره این کودتا برای غارتگران، در قالب قرارداد «کنسرسیوم» در سال ۱۳۳۳ خورشیدی (۱۹۵۴ میلادی) شکل گرفت. براساس این قرارداد، انحصار بریتانیا شکسته و ۴۰ درصد از سهام نفت ایران به پنج شرکت بزرگ آمریکایی، ۴۰ درصد به شرکت نفت بریتانیا و ۲۰ درصد مابقی به شرکت‌های فرانسوی و هلندی واگذار شد. به این ترتیب آمریکا سهم خودش را از چاه‌های نفت ایران برداشت کرد.

از این پس کشور ما به یکی از اقمار اصلی و اشنگتن در منطقه تبدیل شد. آمریکا برای تثبیت پایه‌های دیکتاتوری پهلوی و جلوگیری از هرگونه قیام مردمی، در سال ۱۳۳۵ خورشیدی (۱۹۵۷ میلادی) با کمک نهادهای اطلاعاتی سیا و موساد، سازمان مخوف اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) را تأسیس کرد؛ سازمانی که با شکنجه‌های قرون وسطایی، هزاران مبارز، دانشجو و آزادی‌خواه را در سیاه‌چاله‌ها به خاک و خون کشید.

با اجرای «دکترین نیکسون» (دکترین ستون‌های دوقلو)، رژیم‌پهلوی رسماً نقش «ژاندارم منطقه» را بر عهده گرفت. فرمول استعمار نو بسیار زیرکانه بود: آمریکا نفت ایران را می‌خرد؛ اما دل‌آلر آن را به ایران نمی‌داد؛ بلکه ایران مجبور بود همان پول را صرف خرید میلیاردها دلار تسلیحات پیشرفته آمریکایی کند تا امنیت خلیج فارس را برای عبور نفتکش‌های غربی برقرار سازد و درگیری‌های منطقه‌ای (مانند سرکوب شورش ظفار در عمان) به‌عنوان بازوی نظامی آمریکا، البته به خرج مردم ایران! وارد عمل شود. در کنار این غارت اقتصادی، سیل مستشاران نظامی و غیرنظامی آمریکایی به ایران سرازیر شد. اوج تحقیر ملی در سال ۱۳۴۳ رخ داد؛ زمانی که لایحه مصونیت قضایی نظامیان آمریکایی یا همان «کاپیتولاسیون» در مجلس فرمایشی شاه به تصویب رسید. براساس این قانون، اگر یک آشپز آمریکایی، شاه ایران را زیر می‌گرفت، دادگاه‌های ایران حق محاکمه او را نداشتند.

این لگدمال کردن صریح عزت ملی، با واکنش شدید و تاریخی امام خمینی (ره) روبه‌رو شد که در یک سخنرانی آتشین، رژیم شاه، آمریکا و صهیونیست‌ها را به شدت رسوا کرد و همین امر منجر به تبعید ایشان شد.

این دام هولناک و برگ‌ای سحرآمیز در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ خورشیدی با دستور توانمند ملت ایران از هم دریده

شد و استعمار را با تمام قدرت به آن سوی مرزهای ایران زمین پرتاب کرد. با این حال، استعمار هنوز هم در تلاش مستمر و بی‌وقفه برای بازگشت به ایران است.

■ میراثی که در خون ریشه دارد

تاریخ مبارزه مردم ایران با استعمار، رایتی از یک نبرد نابرابر اما پرشکوه است. از روزی که شاه تهماسب یکم بازرگان انگلیسی را نه‌پذیرفت، تا خون‌های پاک‌ی که در قلعه ریشهر، تنگستان، دشتستان و کوچه‌پسکوجهای تهران پس از ۲۸ مرداد بر زمین ریخت، یک خط‌ممتد از واقعیت مقاومت ایرانی دیده می‌شود. استعمار؛ چه در لباس تاجران کمپانی هند شرقی بریتانیا، چه در هیبت دیپلمات‌های انوکشیده عهدنامه ترکمانچای و چه در قامت مستشاران آمریکایی، همواره یک هدف را دنبال کرده‌است: تسلط بر منابع حیاتی و سلب اراده ملی یک ملت.

با این حال، تاریخ ثابت کرده هرگاه تیغ استعمار برنده‌تر شده، روح جمعی و اراده استقلال طلبانه ایرانیان نیز در قامت قهرمانانی چون رئیس علی دلواری، امیرکبیر، آیت‌الله کاشانی، امام خمینی (ره) و رهبر شهید انقلاب اسلامی (ره) بازتولید شده‌است.

۱۲ شهریور، سالروز شهادت رئیس علی دلواری، نه تنها یادآور مظلومیت جنوب؛ بلکه نماد ملتی است که زخم خورده و خیانت‌دیده؛ اما هرگز در برابر سلطه، زانو نزده‌است.

منابع و مآخذ:

تاریخ روابط خارجی ایران؛ عبدالرضا هوشنگ‌مهدی؛ انتشارات امیرکبیر؛ تهران؛ ۱۳۶۹.

کودتا؛ ۲۸ مرداد، سازمان سیا و ریشه‌های روابط ایران و آمریکا در عصر مدرن؛ پرواند آبراهامیان؛ محمدابراهیم فتاحی؛ نشرنی؛ تهران؛ ۱۳۹۲.

تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی؛ محمود محمود؛ انتشارات اقبال؛ تهران؛ ۱۳۲۸.

حقوق بگیران انگلیس در ایران؛ اسماعیل رائین؛ نشر جاویدان؛ تهران؛ ۱۳۴۷.

رئیس علی دلواری و نهضت جنوب؛ سیدقاسم یاحسینی؛ انتشارات شیراز؛ تهران؛ ۱۳۷۶.

فارس و جنگ بین الملل؛ محمدحسین رکن‌زاده آدمیت؛ انتشارات اقبال؛ تهران؛ ۱۳۱۲.
تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی ایران؛ موسی نجفی و موسی فقیه‌حقانی؛ مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران؛ تهران؛ ۱۳۸۱.

مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب؛ جان فوران؛ احمدتدین؛ مؤسسه خدمات فرهنگی رسا؛ تهران؛ ۱۳۷۷.

تاریخ

نگاه

عجایب آماری بزرگ‌ترین نبرد تاریخ



نوتانیان | جنگ جهانی دوم بزرگ‌ترین جنگ تاریخ بشر است؛ هم‌از لحاظ وسعت وقوع و هم از نظر تعداد کشورها و انسان‌های درگیر آن. بزرگ‌ترین جنگ تاریخ که روز اول سپتامبر سال ۱۹۳۹ رسماً آغاز شد، آمار و ارقام عجیب و غریبی دارد که بررسی آن‌ها تعجب هر مخاطبی را بر می‌انگیزد. در جنگ جهانی دوم که بین سال‌های ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ میلادی (۱۳۱۸ تا ۱۳۲۴ خورشیدی) به مدت ۶ سال ادامه داشت، ۶۱ کشور از پنج‌قاره جهان به‌طور مستقیم درگیر بودند؛ جمعیتی حدود یک‌میلیارد و ۷۰۰ میلیون نفر؛ این رقم معادل سه‌چهارم کل جمعیت کره زمین در آن روزگار بود.

■ شرکت‌کنندگان در جنگ

بیش از ۱۱۰ میلیون سرباز در جنگ جهانی دوم جنگیدند. از این تعداد، چیزی حدود ۴۵ میلیون نفر در درگیری‌ها کشته شدند؛ یعنی به‌طور متوسط از هر پنج سرباز، دو نفر از بین رفتند. بیشترین تعداد نظامی درگیر جنگ، متعلق به سه کشور شوروی با ۳۰ میلیون نفر، آلمان با ۱۷ میلیون نفر و آمریکا با ۱۶ میلیون نفر بود. بیش از ۷۰ درصد این سربازان، نظامی حرفه‌ای نبودند و شامل کسانی می‌شدند که به صورت داوطلبانه یا در قالب بسیج عمومی، لباس سربازی پوشیدند. شاید یکی از دلایل تلفات سنگین در نبردهای جنگ جهانی دوم همین باشد.

■ تلفات انسانی نظامی

آمارهای متفاوتی درباره کشته شده‌های جنگ جهانی دوم منتشر شده‌است؛ تخمین‌های کلی، چیزی بین ۶۵ تا ۸۵ میلیون قربانی را نشان می‌دهد. روس‌ها با ۲۷ میلیون کشته، بالاترین تلفات را داشتند؛ روزی ۱۸ هزار قربانی را طول جنگ انتها در نبرد لنینگراد، طی ۹۰۰ روز یک‌میلیون کشته روی دست شوروی باقی ماند؛ در کل، حدود ۷۰ درصد از تمام کشته‌شدگان جنگ جهانی دوم مربوط به شوروی و چین بود. آلمان به‌عنوان آغازگر جنگ، حدود ۷ میلیون کشته داد. بد نیست بدانید که ۹۵ درصد کشته‌های آلمان مربوط به حمله نظامی به شوروی، موسوم به عملیات باربارا روسا بود.

■ تلفات انسانی غیرنظامی

اگر تلفات ۴۵ میلیون نظامیان و ۸۵ میلیون کل تلفات جنگ را درست بدانیم، مجموع قربانیان غیرنظامی جنگ جهانی دوم بیش از ۴۰ میلیون نفر است؛ بخش مهمی از این تلفات در شرق آسیا اتفاق افتاد؛ تنها ۱۲ میلیون غیرنظامی در حملات وحشیانه ژاپنی‌ها به شرق دور و مالایا کشته شدند. البته خود ژاپن هم از این قضیه مصون نماند. تنها در حمله اتمی به هیروشیما و ناگازاکی، طی روزهای ششم و نهم آگوست سال ۱۹۴۵ (۱۵ و ۱۸ مرداد ۱۳۲۴) نزدیک به ۲۲۰ هزار نفر از بین رفتند. آلمان؛ به‌ویژه در سال‌های پایانی جنگ، شاهد تلفات سنگین غیرنظامی بود و اگر قربانیان حملات هوایی متفقین را در نظر بگیریم، حدود یک میلیون و ۷۰۰ هزار آلمانی غیرنظامی در جریان جنگ جهانی دوم کشته شدند. با این حال، بالاترین رقم قربانی غیرنظامیان به شوروی تعلق داشت؛ حدود ۱۹ میلیون نفر.

■ آمار اقتصادی

جنگ جهانی دوم برای دو طرف، ۴ تریلیون دلار هزینه داشت. این مبلغ به جز میزان خسارات‌هایی است که هر کشور درگیر، به دلیل تخریب شهرها و زیرساخت‌هایش متحمل شد. به طور مثال انگلیس‌ها فقط طی حملات هوایی عملیات «شیر دریایی» از ۷ سپتامبر ۱۹۴۰ (۱۶ شهریور ۱۳۱۹) به مدت ۵۷ شب، یک‌میلیون واحد مسکونی را در لندن از دست دادند. جنگ ۲۷۲ میلیارد دلار هزینه روی دست آلمان گذاشت. شوروی، بریتانیا، ایتالیا و ژاپن به ترتیب ۱۹۲، ۱۲۰، ۹۴ و ۵۶ میلیون دلار برای جنگ جنون آمیز خود هزینه کردند. آمریکا بخشی از هزینه‌ها ۳۴ میلیارد دلاری خود را به کشورهای متفق وام داد و به این ترتیب، هزینه‌های نظامی‌اش را به کمتر از ۲۰۰ میلیارد دلار رساند. یادتان نرود که این ارقام مربوط به اوایل دهه ۱۹۴۰ میلادی (دهه ۱۳۲۰ خورشیدی) است.

■ شکوفایی استعدادها!

جنگ جهانی دوم موجب شد دولت‌های درگیر از هر وسیله‌ای برای تجهیز خود استفاده کنند؛ به همین دلیل بازار اختراعات به‌ویژه در عرصه نظامی رونق گرفت. آلمان در این زمینه پیش‌تاز بود؛ سیستم‌های عکاسی تقویت‌شده به اختراع نخستین دوربین‌های جاسوسی فوق پیشرفته انجامید. موشک‌های وی ۱ و وی ۲ توسط فون براون در آلمان ساخته و به کاپوس بریتانیایی‌ها تبدیل شد؛ اما در تحولات بعدی؛ به‌ویژه در عرصه اکتشافات فضایی سخت مؤثر بود. برای نخستین بار در جنگ جهانی دوم، ارادر به معنای واقعی کلمه ساخته و به کار گرفته شد. انگلیسی‌ها توانستند با این اختراع، به‌طور مؤثری از حجم حملات هوایی آلمان بکاهند. آلمان‌ها برای نخستین بار ارتک‌های مافوق صوت، گازهای شیمیایی رده‌اصاب و موتور جت را اختراع کردند؛ هرچند فرصتی برای استفاده گسترده از آن‌ها را نیافتند. هیتلر حتی موفقیت‌هایی در زمینه ساخت سلاح هسته‌ای بدست آورده بود. دستاورد‌های وی در ماه می سال ۱۹۴۵ به دست روس‌ها افتاد و زیرساخت قدرت هسته‌ای شوروی در سال‌های بعد را شکل داد. کار در عرصه فناوری‌های الکترونیک که نقش مهمی در پیشبرد روند تهیه و تولید سلاح‌های پیشرفته داشت، حیرت‌انگیز بود؛ آمریکا در سال ۱۹۴۱ (خورشیدی) نخستین رایانه قابل برنامه‌ریزی، موسوم به زد ۱، را ساخت؛ این اختراع، نقش مهمی در شکستن کدهای رمز ارسالی دشمن داشت. در همین سال‌ها الکساندر فلمینگ موفق به کشف پنی‌سیلین شد و به میزان معتنابهی از تلفات نظامی و غیرنظامی متفقین کم کرد.